



از نشریات شورایی ثقی جهاد افغانستان

قیام  
چنداول



Ketabton.com

## دفتر شورای ثقاتی جهاد افغانستان

دفتر شورای ثقا فتی جهاد افغانستان

- این نشریه توسط اعضای شورای ثقا فتی جهاد د -

افغانستان تهیه و نوشته شده است .

- تعداد چاپ ۱۰۰۰ نسخه

- چاپ اول **حیات اول**

- شماره ۶ عمومی ۲۷

- شماره ۶ خصوصی ۶ ( رویدادها )

- تاریخ چاپ سرطان ۱۳۶۴ بمناسبت شصتین سالگرد

قیام چند اول **قیام چند اول**

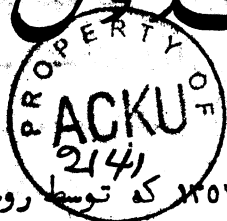
- حق چاپ و نشر محفوظ به این شوری است

- قیمت یک جلد ۳ کله دار

نمونه ای از نشریه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# پیام چنداول



توأم با وقوع کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ که توسط روسها براه انداخته شد در امور و اوضاع کشور دو واقعیت عمده پدیدار گردید :

- (۱) پیروی دولت دست نشانده از اصول کمونیستی که در نهاد خود ضد دین و بالخاصه اسلام است .
- (۲) عدم کفایت دست اندر کاران این رژیم در اجرای امور کشور .

همینکه کمونستهای دست نشانده روسیه زمام امور افغانستان را بدست گرفتند در سراسر کشور کسانی را در راس امور اداره قرار دادند که علناً و قصداً به توهین و پامال ساختن اساسات و مقررات دین مبسوط

اسلام پرداختند ، از طرفی هم چون این اعضاء فاقد  
تعلیمات اساسی ، معلومات کافی و تجربه در امور  
اداره بودند ، آهسته<sup>۱</sup> امور را بصوی هرج و مرج و بیسی  
لجامی میکشاندند .

چنانچه بپرك كارمل خود در این مورد گفت :

" در سطوح مختلف اداره<sup>۲</sup> کشور آن تعداد اشخاص ماهر در  
اداره و صاحب تخصص که بتوانند صمیمیت شانرا بسه  
انقلاب با مسهارت های حرفوی و تیوریک مزج نمایند  
وجود نداشت ."

مسکو که نقش رهبری کودتای ۷ ثور را بعهده

داشت بدون شك میدانست که کمونست های افغانستان  
استعداد و لیاقت امورا اداره<sup>۳</sup> کشور را ندارند و بنا بر این  
یقین داشت پلان<sup>۴</sup> زمینى بر مداخله<sup>۵</sup> مزید در تمام ساحات  
امور کشور میسر میباشد . همین بود که در ظرف سه ماه  
بعد از کودتا تعداد مشاورین نظامی روسی از ۳۵۰ تن  
به ۷۰۰ تن ارتقا<sup>۶</sup> یافت . همچنین تعداد کثیری از  
" متخصصین " ملکی شوروی که بیش از کودتا در پروژه  
های مختلف در سراسر افغانستان کار میکردند بکابل  
(۲)

احضار گردیدند تا به کمونستهای محلی طرق تدویر امور را در وزارت‌ها بیا موزانند و حتی خود ایشان امسور وزارت‌ها را بعهده گیرند . چنانچه در همین وقت کمونست‌های داخلی می گفتند در سفارت روسیه تشکیلات جدا گانه برای اداره امور افغانستان بصورت يك کابینه منظم بمیان آمده بود و هريك از اعضای این " کابینه " امور يك یا چند وزارت خانه و سایر موسسات دولتی را پیش میبردند .

نظریه تشابهات لسانی در اول تاجیک‌های شوروی و غیره کسانی که بزبان‌های افغانستان حرف میزدند به نام مشاورین بداخل ارگان‌های دولتی جا داده شد و نام اصلی از انجائیکه روسها در نهاد باین مردمان که اصلشان مسلمان بود اعتماد نمی‌کردند ، با لتدریج ایشان را بایاروسهای اصیل عوض کردند .

وسائل عمده ناکامی کمونست‌ها حتی در مراحل اول دوره حکمرانی شان را میتوان در مواد ذیل خلاصه کرد :

۱ - با وجود ابلاغیه های مکرر شان که اساسات دین اسلام را در کشور احترام خواهند کرد در عمل هر

حرکت عمده شان مناقض این اساسات واقع گردید ،

۲ - اتکای عام و تام کمونستها بر کمک های مالی و -

مفکوروی روسیه ،

۳ - ایشان از عنعنات و واقعیت های زندگی مردم

افغانستان مخصوصاً روستائیان فهم درستی

نداشتند ،

۴ - کمونست های داخلی از پروگرام دقیق و پلان شده

روسها در مورد اجرای امور افغانستان اطلاعی

نداشتند ،

۵ - فساد در میان کدر حزبی در مدت کوتاهی با وج هود

رسید .

امضای آنچی بنام معاهده دوستی میان رژیم دست نشانده و

روسیه در دسمبر ۱۹۷۸ بعمل آمد ، علناً ثابت ساخت

که کمونست های داخلی از خود صلاحیتی برای پیشبرد امور

کشور ندارند . این رویداد های اسف انگیز دست بدست

هم داده و سبب گردید تا از طرف علمای افغانستان در

سراسر کشور فتوای جهاد صادر گردید . با ثرایان  
فتوی بود که مردم افغانستان بقیام های مسلحانه  
علیه رژیم ، دست نشانده کابل متوسل شدند . اگر  
چه در نقاط مختلف کشور و مخصوصاً در نورستان و ولایت  
کنر ، بدخشان و نوره ، صوف ولایت سمنگان حتی در تابستان  
همین سالیکه رژیم کمونیسم در افغانستان روی کار  
آمد قیام هائی علیه آن صورت گرفت ، ولی قیام  
هرات بتاریخ ۲۴ آخوت همین سال يك چرخش عظیم تاریخی را  
در بلان تهاجم روسیه بر افغانستان بمیان آورد .

چنانچه ۹ ماه بعد از آن ( ۶ جدی ۱۳۵۸ ) روسها بگونه  
علنی و با سلاح مدرن مستقیماً برخاک افغانستان تجاوز  
بعمل آوردند . حکومت کابل بعوض اینکه از این قیام  
به تائید های خود در برابر مردم افغانستان تجدید  
نظر کند واقعه هرات را بحیث انگیزه برای پیروی از  
سیاست های مخاصمانه تر و وحشیانه تری علیه مردم  
مسلمان کشور بکار برد . و صرف ۶ روز بعد از این قیام  
حقیق اللامین که ممثل وحشت و اختناق این رژیم بود  
به قدرت بیشتری نائل گردید و بحیث صدراعظم تبارز

یافت .

واقعه چند اول و دیگر واقعات مماثل آنرا باید در پس منظر حقایقی بیان کرد که در فوق شبه ای از آن بطور فشرده تقدیم گردید . پیش از قیام چند اول نیز مسلمانان شهر کابل تحت رهنمایی یکعده تنظیم ها و شخصیتهای اسلامی دست به فعالیتهائی زدند که هدف آن از پا در آوردن نظام کفر و الحاد بود . یکی از برادرانیکه در این فعالیتها و قیام چند اول دست داشت شرح این واقعات را به ترتیب ذیل بیان کرده است :

مسلمانان کابل بار اول روز ۲۶ حوت ۱۳۵۲ را به حیث " روز عملیات " علیه رژیم کمونیسم در کابل تعیین کردند .

او میگوید : برادران نظامی ما بسویه های مختلف از خوردضابطان و افراد عسکری گرفته تا بسویه دگروال با این قیام ارتباط داشتند . بلان سرتاسری طوری طرح ریزی شده بود که اولاً بتاریخ معینه صاحب منصبان مسلمان ارتباطی عناصر ضد اسلام را برداشته



قطعات خود دستگیر نموده و از بین ببرند و بعدا جانب  
شهر حرکت نمایند تا با مردم در قیام سرتاسری همکاری  
ورزند و بدینگونه حکومت ملحد را سرنگون سازند. برای  
به ثمر رساندن در ست این قیام اسلامی مناطق شهر کابل  
در بین چهار ادران تقسیم شده بود. و قرار بر این شد  
که برادران موظف بساعت ۱۰ صبح همان روز بمناطق  
معین حاضر شده و همزمان با آغاز پلان توسط برادران  
نظامی عملیات در تمام شهر کابل آغاز گردد.

او میگوید: شب قبل را در خانه یکی از مسلمانان  
مبارز سپری نموده و در آن جا قرآن مجید را ختم کردیم  
فردا صبح بعد از مراسم دعا، عازم محل ما موریتها ی  
خود شدیم. اما یکی از صاحبمنصبان مسلمان ما را  
مانع شد زیرا این پلان عملیاتی افشاء شده بود و  
دولت در حدود ۵۰۰ نفر از برادران عسکری ما را در  
قطعات شان همان روز دستگیر کرد.

او میگوید با وجود ناکامی این پلان  
ما به طرح پلان دیگری

اقدام کردیم تا به اساس آن در حداقل جشن کمونستان  
را در ۷ ثور مختل سازیم ولی با تاسف صاحب منصب  
ارتباطی ما دستگیر شد .

با تحمل این همه مشکلات و افتاء شدن های پیاپی بلان  
های عملیاتی با زهم برادران مسلمان آرام ننشستند .  
بر این وقت آن ها با یکی از برادران مبارز بنام قاضی  
غلام سخی قرغزی که خود بنام جمعیت دفاع از اسلام عده  
از برادران مسلمان را بدور خود جمع کرده بود  
تماس قایم کردند . شهید قاضی قرغزی در زمینه  
سازمان رهی فعالیت خوبی نموده بود او با ولایات  
نیز ارتباط قایم کرده بود و صاحب تشکیلات مطمئن بود .  
او و همکاران او طرح بلان وسیع نظامی را علیه  
حکومت کفر و الحاد ریخته و یک شورای انقلابی راهم  
بعیان آورده بودند . اما یکی از اعضای شورا که  
از عمال دولت دست نشانده بود ، تمام جریان را به  
دولت اطلاع میدهد و قاضی موصوف را با تمام افسراد  
ارتباطی عسکری در روز معینه دستگیر میکنند .

بار دیگر بایکدی برادران دیگر تماس قایم کردیم .  
که از آنجمله یکی هم مولوی شفیع اله بود . (۱)  
در این مقدمه برادران جمعیت اسلامی افغانستان  
و حرکت انقلاب اسلامی نیز شامل بودند . برای آگاه  
ساختن برادران به اینکه عملیات خود را آغاز کنند  
میباشست يك اعلان مفقودی از طریق رادیو نشر میشد  
و این کار صورت هم گرفت و همزمان با آن عملیات در -  
لوگر و ده سبز آغاز یافته این قیام های پیاپی هر  
کدام برای بیدار گردانیدن مردم اثرات مفیدی بجا  
گذاشت . با طرح پلانه های متعدد و خنثی شدن آنها  
توسط دولت ، مسلمانان ب فکر عملیات وسیعتر و  
سازماندهی درست تری شدند تا بتوانند به موفقیت  
چشم گیری نائل گردند و این پلان همانا قیام چندنا ول  
بود .

در پلان قیام چند اول برادران حزب اسلامی

---

(۱) قوماندان مولوی شفیع الله در اوائل امسال در  
کوه صافی به شهادت رسید .

جمعیت اسلامی ، حرکت انقلاب اسلامی و حرکت اسلامی -  
هم اشتراك داشتند . روز عملیات ۲ سرطان ۱۳۵۸ تعیین  
و قرار برین شد تا این عملیات با انفجارهای متعددی  
در يك زمان در تمام نقاط شهر كابل آغاز گردد . این  
بمهای ساعتی را عمرجان شهید ساخته بود (۱) .

بیانیه<sup>۴</sup> که بعد از پیروزی از رادیو پخش میشود  
نیز ثبت شده بود . اما یکی از بنها که قرار بود به  
ساعت ۱۰ صبح منفجر شود در منطقه<sup>۵</sup> در نزد يك پل باغ  
عمومی پیش از وقت منفجر شد در اثر آن سراسیمگی  
و هشت در منطقه مستولی گردید خلقها بهر طرف گریزان  
شدند . دولت تمام راه های مهم را در نقاط شهر مسدود  
ساخت .

قسمت بعدی این واقعه را مجاهدین دیگر این طور  
بیان میکنند: در حالیکه این قیام یک حرکت محدود  
به چند اول نبوده و هدف آن از پادراختن رژیم

(۱) عمرجان شهید در واقعه چند اول هم با رزی داشت و در

همین قیام بشهادت رسید  
(۱۶)

کمونیزم در کشور بود مجاهدین حمله بر ما موریت پولیس چند اول را بحیث مهره مهمی در پیشبرد امور مربوط به این قیام میپنداشتند .

یکروز بهر از آغاز این قیام گردانندگان آن مطلع شدند که عمال رژیم کمونیزم در فوق ایستان رخنه وارد کرده و اسرار پلان شانرا بحکومت افشاء کرده اند و بنا بران بمحوم شبکه های خود امر صادر کردند تا از تطبیق پلان مربوط به آغاز قیام خود با ری ووزند . ولی ایستان نتوانستند این هدایت رایبه گروهی صادر کنند که موظف به آغاز قیام در ناحیه چند اول بودند شخصی که موظف به انجام حمله بر ما موریت پولیس چند اول بود میگوید :

مجاهدین مطابق به پروگرام درست بساعت ۱۰ صبح روز شنبه ۲ سرطان ۱۳۵۸ بر ما موریت پولیس چند اول - حمله بردند ، در داخل دروازه ما موریت چهار نفر پولیس مسلح با کلاشینکوف بسته بودند یکی از مجاهدین تفنگچه اشرا را بالای سینه یکی از پولیسها گذاشته به او گفت :



" ما مسلمان ہستیم تسلیم ہوو " او وہیں سے گری  
ہمراہانہ بلا ہرننگ دستہا ی غائرا بالا کردند و بیک  
مجاہد دیگر این چارہ پولیس را خلع سلاح کردہ فریسن  
وقت مجاہدین دیگر رسیدند و نعرہ اللہ اکبر بلند عد  
کسانیکہ با کلایفکوف ہا ی غنیمت مسلح بودند در —  
مدخل ما موریت پولیس شروع بہ با سبانی کردند و —  
دیگران داخل ما موریت شدند . در داخل ما موریت تمام  
پولیسہا فی الفور تسلیم شدند صرف بیک ضابطہ خلقسی  
از تسلیم عدن ابا \* ورزید کہ بجزای عمل خود رسیدہ  
سہی خود پولیس ہا ی ما موریت ہمہوی اسلحہ را بساز  
کردند و ازان جا ۲۰۰ میل سلاح مرکب از ما غنیمتدار —  
کلایفکوف و تفنگ ۳۰۲ بدست مجاہدین افتاد کہ ان را  
میان خود تقسیم کردہ و بجاہاتیکہ بر ایشان دستور  
دادہ شدہ بود اخذ موقع نمودند .

اجتماع مردم نیز در این وقت در اطراف ما موریت  
پولیس خیلی زیاد عد . مردم شعار میدادند " مرگ  
بر ترہ کی " " مرگ بر روسیہ " " زندہ باد اسلام "

و این شمارها که بانمره های کفر ستیز الله اکبر  
توأم بود شهر کابل را بلرزه در آورده بود .  
يك شاهد عینی دیگر میگوید : " تانکهای  
غولپیکر با توپهای ثقیل اطراف برادران مجاهد  
را محاصره کرده بود کمونتها به انداخت توسط  
توپ و هتکه شروع نمودند و موترهای گزیه با تانک  
های محاربه بی حرکت در آمده بیرحمانه به کفتار شروع  
نمودند . کمونتها بر هر کسی فیر میکردند از پل ارتسل  
تا بل محمود خان و بل باغ عمومی تحت محاصره قوای  
دولتی قرار گرفت و مرحوم عمر شهید با يك تعداد هم  
قطاران به شهادت رسیدند . در مقابل مغازه قاری  
امان نسوانی در نا در پشتون وات دشمنان در موترهای  
سر باز و تانکهای محاربه در میان مردم که اکثر برای  
بها انتظار داشتند فیر نمودند ، و در قسمت های مختلف  
شهر به تلاشی موترها و مردم شروع کردند ، يك تعداد زیاد  
مردم را بدون استناد به موترها انداخته به جاهای  
نامعلومی بردند . "

در خود چند اول اوضاع وخیم تر شده میرفت. حکومت کابل با تعدادی از تانکها و عساکر پیاده اطراف ماموریت پولیس آنجا را محاصره کرد و در آغاز اوضاع را آزد و در نظاره میکرد. بعد تانکها نزدیک شده شروع به مقابله کردند. مجاهدین راه اسلام با شہامت تمام به مقابله دوام دادند. بالآخر حکومت دست نشانده قوه تازه نفسی را پیاده کرد که مسلح باهاوانها بود که با آنها ماموریت را تخریب کردند و مجاهدین مجبور به عقب نشینی شدند. بزرگ طرف ماموریت تانکهای مستقر بودند که در حقیقت مطابق به پلان اول میباشد با مجاهدین همکاری میکردند. سر نشیان همین تانکها به مجاهدین موقع دادند از منطقه بدور شوند.

حکومت طی ابلاغیه که بتاريخ ۲ سرطان از رادیو کابل و ۳ سرطان در جراید نشر کرد قیام چند اول را یک حادثه کوچک و محلی خواند که بقول آن رادیو از طرف رهبران متعصب ایران و عناصر خائن بوطن برای انداخته شده بود. اعلامیه حکومت کابل انعا



کرد که شاملان حادثه بهمکاری خود شهریان کابل از طرق  
قوای امنیتی از بین برده شدند. ولی قدر مسلم این بود  
که در همان روز حکومت لا اقل سه صد نفر را بقتل رساند.  
چنانچه دیده میشود قیام چند اول به هیچ صورت  
یک واقعه محلی یا رویدادی نبود که از طرف یک گروه -  
خاص پی ریزی گردیده باشد. ولی حکومت تفرقه انداز  
کمونستی از آن بحیث یک بنها نه برای قتل عام، هزاران  
فرد جوان هزاره کشور کار گرفت. این حکومت یک تعداد از  
جاسوسان اداره استخبارات خود را که در آن وقت "اکما"  
یا میشدوا امروز آنرا خا میگویند، بسر کرده گی عبدالستار  
که از اهل موسی قلعه بود موظف گردانید تا جوانان هزاره  
را دعوت کند که بحیث مزدکار در برابر ۲۰۰۰ - افغانی اجوره  
در هر روز در پرزوه های تعمیراتی بلچرخنی در موترهای لاری  
نشسته بمحل کار بروند. در یک روز این مردم خون آشام ۲ -  
الی ۳ - هزار برابر جوان هزاره، و دیگر برادران ما را بسه  
این بهانه لاری ها گرد آورده آنها را بسوی کشتارگاه  
بلچرخنی بردند و بقتل رسانیدند.

## شرح واقعه بقلم یکی از جوانان مبارزی که خود در قیام چند اول سهم گرفت بود.

« از روزها قبل چشم براه آنروز بودیم سحرگاه ۲ سرطان  
سال ۱۳۵۸ تازه از خواب بستر خاسته بودم که  
زنگ درب خانه بمدا درآمد و کسی بسراغ من آمده بود  
او یکی از دوستان نزدیک من و از کسانی بود که در کابل  
در فعالیت‌های ضد کمونستی سهمی بارز و با جبهات بیرون  
از کابل ارتباط مستقیم داشت. برایم مژده داد که  
روز عمل رسیده است و ساعت ۹ صبح باید در جاده می‌روند  
حاضر باشیم. از خوشی در لباس‌هاییم نمی‌گنجیدم فکر می  
کردم پرنشاط‌ترین لحظات زندگی ام فرار رسیده باشد  
فورا غسل کردم و بدون آنکه حرکت غیر عادی از من سر  
بزنند جای را با اعضای خانواده خود خوردم و از خانه  
بیرون رفتم وقت ترا ساعت تعیین شده بمحل موعود  
رسیدم. برادران را دیدم و با هم به رستورانی که  
متصل ماموریت پولیس چند اول بود بالا آمدیم. جای

فرمایش دادیم ومنتظر فرماندهی نشستیم . تازه چای  
رسیده بود که یکی از همزمان از پائین آمد و با  
اشاره ای ما را فهماند تا از رستوران بیرون شویم .  
پول چای ها را پرداختیم و با وجود تعجب هتلی چای  
نخورده با شور و شتابی زاید الوصف از رستوران بیرون  
شدیم . ما با چهار بوتل مولوتوف کوکتیل ( بمب بطرولی )  
مسلح بودیم . این بم ها را در يك استعمال گل اناری  
پیچیده بودیم و من آن را در دست داشتم . دسته  
جمعی با نعره " الله اكبر بماموریت بالا شدیم و با  
استقبال برادران پولیس روبرو شدیم . شعارها و  
عکس های ترکی را از دیوارها کندید . درین میان  
برادران با احساس ماموریت پولیس با شور اسلامی سلاح  
کوترا بروی ما گشودند و ما را با تفنگچه و ماشنیدار  
خفیف و مرمی مسلح ساختند . بخاطر تاءمین امنیت  
داخلی يك تعداد از پولیس ها تیرا که غیر عادی و مشکوک  
بنظر میخوردند تریکی از اطاق های ماموریت محبوس  
کردیم ولی يك تعداد از برادران پولیس بسیار صمیمانه  
با ما همکاری نمودند ، یکی از آن ها زخمی شد عملیات

را که ساعت ده روز شروع کرده بودیم ادامه دادیم .  
دو عراده تانک از مقابل ما موریت با بئرق های سفید  
صلح و مهربستگی گذاشتند و این برای ما قوت قلبی بود .  
چند لحظه نگذشته بود که شش تانک دیگر آمدند و —  
ما موریت را در محاصره کشیدند و متعاقب آنها یـک  
هلیکوپتر توپدار رسید که در هوا بر فراز ما موریت قرار  
گرفت . آتش بسته جمعی تانک ها ، هلیکوپترها و عساکر  
زمینی بالای ما موریت شروع شد . ما به مقاومت  
پرداختیم و با قدرت ایمان بخدای یگانه دو ساعت ونیم  
در مقابل قوای دولتی مبارزه کردیم . اللّٰه اکبر و  
حسبنا اللّٰه نعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر ورد  
زبان و قلب ما بود و در آن لحظات بود که مرگ در راه  
خدا (ج) را با آغوش باز و لب پر خنده قبول داشتیم . آری  
در همین وقت بود که مرگ در راه ایمان ذلیل شده بود و  
هدف برتر از همه چیز جلوه می کرد . پلان وسیع و مکمل  
تطبیق شده نتوانست و دوام عملیه سودی به بار نمی آورد .  
من در طبقه سوم موظف بودم هلیکوپتر بمبسی  
انداخته و چهل پنجاه سانتی متر جلوبام از سقف

تا کف اتاق همه لمبید ولی در حالیکه بملطف خدا به  
ما آسیبی نرسید، نه تن از برادران کشته  
و وظیفه محافظت دروازه، ورودی را بعهده داشتند شهید  
شدند. روح شان شاد و یاد شان گرامی باد.

در این حالت مجبور بودیم تصمیم بگیریم که آیا  
مقاومت را ادامه دهیم یا تسلیم شویم.

در صورت مقاومت اثری از هیچ یک از ما نمی ماند و همه  
دسته جمعی از بین میرفتیم. در صورت تسلیم شدن  
دو امکان موجود بود:

۱- امکان داشت ما را بعد از شکنجه های زیاد از بند  
بند جدا کنند.

۲- امکان داشت بیماری خدا روزی آزاد شده یا فرار کرده  
و در صف مجاهدین بپیوندیم. تصمیم برین شد که خونرا  
تسلیم کنیم. زیرا درین صورت یکی از امکانات آن بود  
که باز در جهاد فی سبیل الله اشتراک کنیم، اگر  
چه امکان از بند بند جدا شدن زیاد تر موجود بود.

حالت عجیبی بود و احساس عجیبی. یکی از برادران صدا

کرد:

تسلیم .!

برادران پولیس که گزیری جز تسلیم نداشتند -  
پیش قدم شدند . درین لحظه کوتاه اما پرثمر به این  
فکر افتادیم که دروازه عقبی ما موریت را که خانه  
های گاه گلی متصل بود ، و به کوچه مندوی منتهی میشد  
بشکنیم . این قدرت ایمان بود که ما راهنوز هم توان  
عمل میداد . دروازه را بدون مشکلات شکستیم و از بین فیر  
های مسلسل قوای دولتی که در کوچه های عقبی سنگر  
گرفته بودند بسلامتی و خیریت گذشتیم . از همکاری  
و همبستگی مردم مؤمن و با شامت چند اول همواره  
برخوردار بودیم . ما را در بیدار  
خانه های خود و در کارخانه های خود پناه دادند  
و همه خطرات را بجان خریدند . سربام ها را قوای دولتی  
گرفته بود آنها در جستجوی ما بودند . ما بعد از وقفه  
های زیاد ( تقریباً دو ساعت ) با احتیاط بسیار بدربی  
رسیدیم که به کوچه مندوی باز میشد . درب را که آخرین  
امکان بود باز کردیم و در بین کتله مردم از انظار

کوردلان ناپدید شدیم و آمدن ما مورد توجه کسی قرار نگرفت .

بالآخره همه ما را بادیگر مردم دریک سرای تجارتی داخل کردند و دررا قفل کردند . بعد از مدت نیم ساعت که فرصت برای مرتب ساختن لباس و شستن روی مساعد شده ما را پس از تلاشی رها کردند . در این هنگام که اولین عملیه نظامی در کابل بود ، هزارها نفر از مردم مومن ما را بدون تحقیق و بدون دلیل به شهادت رساندند که روح شان شاد و یاد شان گرامی باد . این جنایت این از خدا بیخبران در دنیا و آخرت بی جواب نمی ماند .



B  
4.3832  
CCA  
2141

خوانندگان گرامی !

به منظور خدمت در نشر ثقافت ، معارف و علوم اسلامی  
شورای ثقافتی جهاد افغانستان در سنده سال ۱۳۶۲  
در اسلام آباد تاسیس شد و برای تحقق یافتن این آرمان  
عالی بسیاری خداوند متعال و همکاری هم میهنان عزیز در  
ساحات ذیل فعالیت مینماید :

- تهیه کتب درسی و ره‌نمای معلم این کتب .
- تهیه کتب مجدد درسی بنام دانستنیها .
- توضیح مطالبی از نایچه جهاد بنام رویدادها .



**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)  
Ketabton.com: The Digital Library**